

همشهری

حافظ
بکن معامله‌ای، وین دل شکسته بخر
که با شکستگی ارزه به صد هزار درست

صفحات: ۱۲ | آدرس: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سید کمال قرنی، شماره ۱۴

www.hamshahronline.ir | همشهری: | کد پستی: ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ | تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵۵۴۴۴
سایت روزنامه: newspaper.hamshahronline.ir | تلفن: ۲۲۰۲۰۰۰۰ | شماره: ۲۲۰۲۰۰۰۰

پدیرش آگهی: ۸۳۲۳۱۰۰۰ | توزیع و اشتراک: موسسه نشر گستر امروز نوین
چاپ: همشهری | تلفن توزیع: ۶۱۹۳۳۰۰۰ | تلفن اشتراک: ۶۱۹۳۳۱۱۴
تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

سیاسی و دیپلماتیک:
مدیر: حسین ارچلو
شورنگار:
مدیر: پروانه بهرام‌نژاد
مدیر: مریم باقری‌پور

اقتصاد:
مدیر: حسین لطفی
مدیر: مریم موسی‌پور

تماشاکر:
مدیر: امیرمحمد یعقوب‌پور
مدیر: لیلی فرسند

ایرانشهر:
مدیر: بهرام‌نژاد
مدیر: سعید محمدرضا
مدیر: مریم سرخوش

سرخ:
مدیر: جواد عزیزی
مدیر: محمد جعفری

دانشجویان:
مدیر: ساسان شادمان
مدیر: زهرا خلجی

سرمزین من:
مدیر: محمد باریکانی

جامعه:
مدیر: بهیمه طباطبایی
گزارش:
مدیر: سعید میر

۲۴ (سیمنا و تلویزیون):
مدیر: سعید مرونی
مدیر: علیرضا محمودی

صفحه آخر:
مدیر: جواد نصرتی

طرح و گرافیک:
مدیر: محمدعلی حلیمی

کوچه گرد

کسی که بناهای صفویه را کوپید و جایشان خیار کاشت!



لیلا باقری
صاحب عمارت زیبای مسعودیه در میدان بهارستان را می‌شناسید؟ همان بنا که گنج‌کاری‌ها و کاشی‌کاری‌ها و آرسی‌ها و دیگر اجزایش پیش چشم می‌خراشد و وادارت می‌کند به ثبت کلی قاب‌زیا؟ عادی و هنجار این است که گمان کنیم طبع صاحب این خانه نرم و نازک، خلقت ترده، روانش رقیق و جساری و گفتارش نغز و نرم باشد. از قضا قلم به‌دست هم بوده و جایی در خاطرش در وصف مرال نوشته است: «آن مغروری و آن جرأت و آن قشنگی و آن هیکل زیبا و آن رعنائی و آن شش‌ها و آن رنگ و آن خطوط آلوانی که دست قدرت در تن او گذاشته... و باید گفت: فتیاری که الله احسن الخالقین، وقتی که می‌دود و وقتی که رم می‌کند، یک نوع دل‌رایی می‌کند که شخص مات و متحیر می‌ماند از خلقت و صنعت خدایسی و...» و بعد از تشبیه راه رفتن این حیوان به خرامیدن زنان فرنگی و تشبیه به قاعده قوانین رفتن شان به نظم آلمانی، می‌نویسد: «من خودم مرال بزرگی زدم که پیش کل گله بود، یک مرتبه کل ایستاد و یک مقداری تأمل کرد. آنگاه دیدم ز تا یکی از آنها که پر جرات‌تر بود سرفه شده پیش از دیگران قفسه را پیش نهاد، آن را هم زدم با کل ایستاد.» او زیبایی حیوان را در ک می‌کند می‌گوید: «اول شکار و اول نمره چرنده‌هاست.» مسعود میرزا ملقب به ظل‌السلطان، پسر ناصرالدین شاه، ظالم‌ترین شاهزاده قجری که ۲۴ سال بر اصفهان و مناطق مرکزی حکومت کرد به ۳ چیز معروف بود: ظلم به آدم‌ها و گرفتن باج و خراج به‌زور و قتل، خراب‌کردن بناهای تاریخی در اصفهان و شکل‌بی‌رویه حیوانات.

مهدی بامداد در «شرح حال رجال ایران» از جنون ظل‌السلطان می‌نویسد در تخریب بی‌اندازه درختان خیابان‌ها و عمارت‌های دوران صفوی اصفهان، در حالی که چند نفر از بازرگانان دلسوز اصفهان مبالغه‌های مبالغه‌آمیز را برای خرید بناهای پیشینه‌دار کردند، اما او از آن ترسید و به شرط تخریب به کسان دیگری فروخت؛ چون توان دیدن شکوه عمارت شاهان صفوی را نداشت و از طرف دیگر نگران بود زیبایی اصفهان توجه ناصرالدین شاه را به خود جلب کند. فهرست عمارت‌ها و باغ‌هایی که او دستور به تخریب‌شان داد چنان بلندبالاست که آب به چشم می‌آورد. یکی از جهانگردان خوش منظره و فرح‌آور چهارباغ مانند سایر آثار باستانی چیزی باقی نگذاشته، جدول‌های سنگی را پر کرده و حواشی آنها را فروخته و نقاشی‌های طاق‌ها و دیوارها را هم محو کرده است. جای قصرها و عمارت‌های خالی صفوی را هم با ایجاد مزارع گرمک و خیار اشغال کرده است. او در فصلی از خاطرات خود به وصف حیوانات پرداخته و توصیف‌های دقیقی از ظاهر و خوی و زیست آنها می‌دهد و می‌گوید از هر کدام چندتا کشته. تنها در یکی از لشکرکشی‌های خود به میانکاله از شکار ۲۶۵ ببر و پلنگ و گوزن می‌گوید تا قرقاول و شوکا و... روایت است او آنقدر شیر این شکار کرد که نسلش منقرض شد و می‌گفت مگر شیری می‌تواند از دست تفنگ برونیگ دربرود؟ ضدتوسعه‌بودن اگر هیبتی آدم‌زادی داشت، شکل ظل‌السلطان بود کسی که فهمش به زیبایی می‌رسید ولی می‌گشت و می‌رمباند و می‌کوبید... و در مقابل مردان و زنانی که عشق‌شان به توسعه و آبادانی ایران آنجا هویدا می‌شود که حواس‌شان هست:

آب را گل نکنیم
در فرودست انگار کفتری می‌خورد آب
یا که در بیشه دور سسیره‌ای پر می‌شوید
یا در آبادی کوزه‌ای پر می‌گردد...



باسکن این کیوار کد
یادگست مربوط به یادداشت
را بیستید.

بازار شهرستانی؛ بازمانده تهران قدیم

آشنایی با یکی از بازارچه‌های قدیمی و سنتی در قلب پایتخت



مزیت این بازار به صرفه بودن قیمت‌ها در عین کیفیت بالای محصولات است و بیشتر افراد محلی برای خرید به آنجا می‌روند.

تهران شهری است مدرن که آثاری از تاریخ را همچنان بر دوش می‌کشد؛ آثاری که به جز سنتی و تاریخی بودن، کاربرد خود را هم حفظ کرده‌اند. بازارهای سنتی تهران از این دسته‌اند. مراکز خریدی که رنگ و بویی از بازارهای جدید امروزی باوینترین‌های خاص، نماهای سنگ و زرق و برق ندارند، اما بر از حس خوب نوستالژیک هستند. یکی از این بازارهای سنتی در مرکز شهر تهران، «بازارچه شهرستانی» است. رد پای قدمت بازارچه شهرستانی را می‌شود در پوسته‌های خاک‌گرفته آن دید و خاطراتی که به گذشته تهرانی‌ها گره خورده است؛ از خرید در مغازه‌های میوه‌فروشی که میوه را شبیه بازار شهرهای شمالی به‌ویژه بازار رشت روی طبق به نمایش می‌گذارند تا



در کوچه‌های پشتی بازار شهرستانی بافت مسکونی چسبیده به بازار است. می‌شود گفت بعضی از مغازه‌ها در واقع پارکینگ یا حیاط خانه‌هاست.



این بازار سرسبز تا ۳ چهارراه دارد و هر بخش از آن محل فروش کالاهای مختلفی است.



بازار شهرستانی معروف به میوه و تره‌بار است، اما جالب است بدانید که هم لباس و هم محصولات پروتئینی در آن به فروش می‌رسد و جدای از تنوع قیمت مناسب آن جذاب‌ترین ویژگی این بازار است.



قدمت این بازار به دهه ۳۰ برمی‌گردد و از یک سمت به میدان امام حسین (ع) و از سوی دیگر به خیابان شهید منتظری منتهی می‌شود.



در این بازار علاوه بر انواع محصولات پروتئینی و میوه و سبزیجات می‌توانید لبنیات، وسایل برقی و وسایل آشپزخانه هم پیدا کنید

به محض اینکه به این بازار کوچک ولی رنگارنگ قدم بگذارید شاهد همان سبک و سیاق بازارهای روز قدیمی خواهید بود که مثل یک دالان زیا تمام میوه و سبزیجات را کنار هم چیده‌اند و نور خورشید از لابه‌لای سایه‌بان روی میوه‌های خوش‌رنگ و رو می‌تابد و آدم را ذوق می‌آورد.

عکس خانه

عینک مجانی بگیرد



احتمالاً نوب مغازه‌های مختلف دیده باشید که آقای فروشنده نوشته‌ای روی ویترین یا شیشه مغازه نصب کرده برای آنهایی که پول کافی برای خرید ندارند و اعلام کرده که می‌توانند مهمان او باشند. از این فروشنده‌های خیر و در یادل زیاد داریم و در همین ستون خودمان هم بسیار از آنها نوشته‌ایم. حالا هم یک عینک‌فروشی با یک نوشته روی ویترینش اعلام کرده به آنهایی که توانایی خرید عینک ندارند، به‌صورت رایگان عینک می‌دهد. نوشته روی ویترین این عینک‌فروشی مورد توجه کاربران در فضای مجازی قرار گرفته است.

گرنیچ

رکوردهای تخم مرغی



این روزها ۲۷۰۰ نفر جوان در مکزیک، رکوردی تازه را در جهان به ثبت رساندند؛ پیاده‌روی در مسافتی به طول ۱۰۰ متر در ۱۰ دقیقه، به‌طوری که هر کدام یک تخم‌مرغ را روی قاشقی حمل می‌کردند. این جشنواره را انجمن پرورش دهندگان مرغ در «خالسیسکو» مکزیک برگزار کرد و از میان شرکت‌کنندگان، ۳۹ نفر توانستند بدون اینکه تخم‌مرغ‌شان به زمین بیفتد، این مسافت را طی کنند. سال گذشته رکورد گینس در دست لندن‌ها بود که توانستند ۱۴۰ تخم‌مرغ را سالم به خط پایان برسانند. این منگنه، مهد تولید تخم‌مرغ در جهان است و در این جشنواره، فعالیت‌های سرگرم‌کننده دیگری مثل دوچرخه‌سواری، مسابقه پیدا کردن تخم‌مرغ و نمایشگاهی از ۱۰۰ غذا که با تخم‌مرغ درست شده، برگزار شد. در این جشنواره همچنین صبحانه‌ای رایگان با تخم‌مرغ تهیه و از ۱۵۰۰ نفر به‌طور رایگان، پذیرایی شد.

کشف اسرار خط میخی



تا امروز، تحقیقات نشان می‌داد نخستین خطی که انسان‌ها دست به دامانش شدند تا از طریق آن، افکار و اندیشه‌هایشان را به هم منتقل کنند، خط میخی بود. خطی که در حدود ۳۱۰۰ سال قبل از میلاد در بین‌النهرین اختراع و در قرن ۱۹ میلادی رمزگشایی شده است. اما حالا در تحقیقاتی که اخیراً دانشمندان دانشگاه بولونیا در ایتالیا انجام داده و آن را در نشریه علمی «دنیای باستان» منتشر کردند، دریافته‌اند حکاک‌هایی که روی مهرهای سنگی با گلی قبل از اختراع خط میخی صورت گرفته، حاوی نمادها و نشانه‌هایی است که بعد از آنها در نسخه‌های اولیه خط میخی استفاده شده است. قدمت این مهرها گاهی به ۴۴۰۰ سال قبل از میلاد می‌رسد و پیشینیان ما از آنها برای ثبت ذخیره آذوقه، حساب و کتاب کالاهای حمل و نقل شده، تأیید معامله و یا نوشتن نامه در سراسر بین‌النهرین استفاده می‌کردند. این محققان نقش‌های مربوط به حمل کوزه و پارچه را در شهرهای گوناگون بین‌النهرین شناسایی کردند و دریافته‌اند که این نقوش در نمونه‌های اولیه خطوط میخی که در نوشته‌های مربوط به تجارت به کار می‌رفته، وجود داشته است. «سیلوپا فرارا»، استاد زبان‌شناسی کلاسیک در دانشگاه بولونیا و یکی از دانشمندان این مطالعه، در این باره می‌گوید: «جهش مفهومی از نمادگرایی پیشا نوشتار به نوشتار، یک پیشرفت قابل توجه در فناوری‌های شناختی انسان است. این ابداعات در حوزه نوشتار نشان می‌دهد که چگونه برخی از تصاویر ماقبل تاریخ در یکی از نخستین سیستم‌های نوشتاری اختراع شده، گنجانده شده‌است.»